

یافته‌های نو در ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی ایرانی

دکتر علی محمد حق‌شناس

استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

و پگاه خدیش

(از ص ۲۷ تا ۳۹)

چکیده:

قصه جادویی یا قصه پریان، داستانی است که در جهانی غیرواقعی رخ می‌دهد ولی این وقایع غیرواقعی برای قهرمان قصه کاملاً واقعی و معمولی به شمار می‌روند. ولادیمیر پراپ، محقق روس، در نظامی ابداعی به بررسی ریخت‌شناسانه قصه‌های پریان روسی پرداخت. بنا بر تعریف وی، ریخت‌شناسی، یعنی توصیف قصه‌ها بر پایه اجزای سازنده آنها و همبستگی و ارتباط این سازه‌ها با یکدیگر و یا کل قصه. در این مقاله قصه‌های جادویی ایرانی و شیوه پراپ بررسی شد با این تفاوت که شمار اجزای سازنده قصه‌ها کاهش یافت و در هر کارکرد، مصادیق جدیدی یافت شد که در قصه‌های روسی وجود ندارد. از اطلاعات و یافته‌های این تحقیق می‌توان در بررسی‌های ادبی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و شناخت اعتقادات قوم ایرانی استفاده نمود.

واژه‌های کلیدی: قصه‌های جادویی ایرانی، ریخت‌شناسی، کارکرد، روایت،

پراپ.

مقدمه:

ادب شفاهی، همدوش با آثار ارزشمند ادب رسمی و مکتوب، در گذر سالیان دراز، فرهنگ و اندیشه‌های کهن نیاکان ما را در سینه و حافظه زنان و مردان این سرزمین پرورانده و به ما رسانده است. قصه‌های عامیانه، که یکی از اشکال ادب شفاهی هستند، گنجینه‌ای عظیم و کهنسال از اعتقادات و باورها و آداب و رسوم گاه فراموش شده قوم ایرانی را در دل خود نهان کرده‌اند. برای دستیابی به این ذخایر ارزشمند، بررسی علمی و تجزیه و تحلیل دقیق ساختار و محتوای این قصه‌ها امری ضروری است.

برای قصه، تعاریف مختلفی آورده‌اند؛ جمال میرصادقی در ادبیات داستانی می‌نویسد: «به آثاری که در آنها تأکید بر حوادث خارق‌العاده، بیشتر از تحوّل و پرورش آدم‌ها و شخصیت‌هاست قصه می‌گویند. در قصه محور ماجرا بر حوادث خلق‌الساعه می‌گردد.» (میرصادقی، ص ۲۴) اصطلاح «قصه عامیانه» نیز رواج عام دارد ولی ظاهراً معیار دقیقی برای سنجش عامیانه بودن یا نبودن داستانی وجود ندارد. محمدجعفر محجوب در این باب، بحث مختصری دارد: «آیا داستان عامیانه، داستانی است که موضوع آن، باب پسند عامه باشد ولو آنکه به نثر فصیح ادبی نگاشته شده باشد یا آنچه به سبک عوام و یا نثر یا شعر عامیانه نگارش یافته باشد و یا آنکه هر دو شرط را باید در اطلاق چنین صفتی به داستان، مورد توجه قرار داد؟» (محجوب، ج ۱، ص ۱۲۶)

با انتشار مجموعه قصه‌های عامیانه آلمانی به وسیله یاکوب و ویلهلم گریم در سال‌های ۱۸۱۴-۱۸۱۲م، حرکتی عظیم در سطح جهانی برای گردآوری و بررسی قصه‌ها پدید آمد. عالمان سایر رشته‌های علوم انسانی از جمله اسطوره‌شناسان، مردم‌شناسان و روان‌شناسان به این حوزه علاقه‌مند شدند و هر کدام بر مبنای تخصص خویش، افق‌هایی تازه در قصه‌ها کشف یا به آنها منسوب کردند. محققان درباره‌ی وجوه مختلف این ژانر نظریه‌هایی ارائه دادند که برخی از آنها موجب بروز تحولات بزرگی در دانش فولکلور و سایر رشته‌های مرتبط با آن شده است؛ از آن میان می‌توان به نظریه‌های مربوط به خاستگاه و سرچشمه قصه‌ها، شیوه‌های نشر و پراکندگی، معنا و

پیام، ویژگی‌ها و صفات خاص، چگونگی دگرگونی و پیدایش روایت‌های جدید، اهداف و انواع آنها اشاره کرد که پرداختن به آنها از عهده این مقاله خارج است.

یکی از انواع قصه‌های عامیانه، آن است که در زبان انگلیسی Fairy Tale یا Wonder Tale نامیده می‌شود و محققان ایرانی آن را به قصه پریان ترجمه کرده‌اند. (برابر آن در فرانسه contes de Fees و در زبان آلمانی Marchen است). قصه پریان، داستانی است که در جهانی غیر واقعی رخ می‌دهد، مکان و شخصیت‌های معین ندارد و سرشار از وقایع شگفت است. «در این سرزمین رؤیایی، قهرمانان فروتن، دشمنان را می‌کشند، با شاهزاده خانم‌ها ازدواج می‌کنند و به پادشاهی می‌رسند.» (Thompson, P.60) قدیمی‌ترین قصه جادویی از این دست «قصه دو برادر یا باتا و آنوبیس است متعلق به ۱۲۵۰ قبل از میلاد و مصر باستان.» (Green, P.363)

تاکنون روش‌های بسیاری برای تعریف و طبقه‌بندی قصه‌های عامیانه ارائه و اعمال شده است. معروفترین آنها شیوه تاریخی - جغرافیایی (مکتب فنلاندی) است. در این روش «برای دسترسی به تعداد گونه‌ها و روایات مختلف قصه‌ها در سطح بین‌المللی، فولکلور شناسان، فهرستنامه‌ها و کتاب‌هایی درباره رده‌بندی گونه‌های قصه نوشتند.» (براب، ص ۳۴) نخستین فهرست از این دست را آنتی آرن در سال ۱۹۱۰م. منتشر ساخت. بعدها محقق آمریکایی استیت تامپسون در سال‌های ۱۹۲۸م. و ۱۹۶۱م. ویرایش گسترش یافته‌ای از این کتاب چاپ کرد که همه گونه‌های موجود در فهرست‌ها و بایگانی‌های ملی سایر کشورهای جهان را دربرداشت. این فهرست که بعدها با نام فهرست آرنه - تامپسون شهرت یافت تمام قصه‌ها را ذیل چهار طبقه بررسی و برای هر یک تیپ یا شماره‌ای در نظر گرفته است که عبارتند از:

۱- قصه‌های حیوانات (ذیل شماره‌های ۱-۲۹۹)

۲- قصه‌هایی به معنای اخص، شامل: قصه‌های جادویی (۷۴۹-۳۰۰)

قصه‌های مذهبی (۸۴۹-۷۵۰)

قصه‌های عاشقانه (۹۹۹-۸۵۰)

قصه‌های دیو ابله (۱۱۹۹-۱۰۰۰)

۳- قصه‌های شوخی (۱۹۹۹-۱۲۰۰)

۴- قصه‌های زنجیره‌ای (۲۳۹۹-۲۰۰۰) (لازم به یادآوری است که اولریش مارزلف، در کتاب طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی، تیپ قصه‌های ایرانی را براساس فهرست آرنه تامپسون استخراج و معین نموده است.) روش دیگری که حاصل جمع اندیشه‌های ساختارگرایی و یافته‌های زبان‌شناسی است و به بررسی ساختمان و فرم قصه می‌پردازد، ریخت‌شناسی است. نخستین بار ولادیمیر پراپ روسی، این نظریه را بیان و اثبات کرد. وی نخستین گام در تحقق فرضیه خویش را، شناخت و تعیین عناصر ثابت و متغیر قصه دانست. پراپ، صد قصه از مجموعه قصه‌های روسی افانا سیف را برگزید و آنها را براساس کنش‌ها و رویدادهایشان بررسی کرد. (این قصه‌ها، در فهرست آرنه تامپسون قصه‌های جادویی نام دارند). وی به این نتیجه رسید که افراد و شخصیت‌های قصه‌ها مختلف‌اند ولی کارهایی که انجام می‌دهند از شمار معینی تجاوز نمی‌کند. آنگاه واحد سازنده روایت را کارکرد نامید. (مترجمان فارسی زبان، function را به کارکرد، خویشتاری، کنش و نقش ویژه ترجمه کرده‌اند). کارکرد، عمل یکی از شخصیت‌های قصه است از نظر اهمیتی که در مسیر سایر کنش‌های قصه دارد. تعریف پراپ از کارکرد، یکی از مهم‌ترین و انقلابی‌ترین نوشته‌ها در تاریخ فولکلور است. او می‌نویسد: «یک عمل نمی‌تواند جدای از مکانی که در جریان روایت دارد تعریف شود.» این جمله به روشنی نشان می‌دهد که اندیشیدن درباره فولکلور براساس موتیف‌های منفرد، اشتباه است و عمل یا کارکرد فقط در مکان و جایگاه خویش در جریان روایت تعریف می‌شود. (Dundes, P.67)

پراپ با تجزیه و تحلیل کارکردها به چهار اصل کلی درباره این قصه‌ها دست یافت:

- ۱- کارکرد، سازه‌های بنیادی و عناصر ثابت و لایتغیر قصه‌اند، جدا از اینکه چه کسی و چگونه آنها را انجام می‌دهد؛
- ۲- تعداد کارکردها در قصه‌های پریان محدود است؛
- ۳- اتوالی این عناصر و کارکردها همیشه یکسان است؛
- ۴- همه قصه‌های پریان از جنبه ریخت و ساختار، متعلق به یک تیپ هستند. به این ترتیب و بر مبنای این اصل اخیر، تمام قصه‌های پریان روسی، یک ساختار نهایی روایت^۱ دارند و همگی را می‌توان در

پیکره یک حکایت جای داد. وی همچنین هفت شخصیت را در قصه‌ها شناسایی کرد: شریر، بخشنده، یاریگر، شاهزاده خانم، گسیل دارنده، قهرمان، قهرمان دروغی.

پراپ پس از تعیین کارکردها و استخراج اصول و قواعد حاکم بر قصه‌ها، به راه‌های محتمل ترکیب و حرکت‌های موجود در قصه‌ها پرداخت. نمودارهای او از هر قصه به صورت فرمول‌هایی ارائه شد که از نشانه‌های اختصاری کارکردها تشکیل شده‌اند و از مقایسه و بررسی تطبیقی آنها می‌توان به نتایج ارزنده‌ای دست یافت.

پس از ترجمه کتاب پراپ، ریخت‌شناسی قصه‌های پریان، توجه دانشمندان و محققان بسیاری به آن جلب شد و از آن الهام گرفتند. «تلاش برای توصیف ساختارهای روایی پایه، از زمان ارسطو آغاز شده و به کرات گفته می‌شود که از زمان او تاکنون، پیشرفت چندانی حاصل نشده است، اما ولادیمیر پراپ در این عرصه گام مهمی برداشت و نظام او به رغم کاستی‌هایش - و در مواردی به دلیل این کاستی‌ها - نقطه شروعی برای نظریه‌پردازان بعدی شده است. (اسکولز، ص ۱۳۴) شیوه پراپ می‌تواند در کشف و درک ساختار همه انواع روایات به کار آید، چنانکه لوی استراوس بر همین مبنا پژوهش‌های اساطیری خویش را سامان داد و بررسی دقیق ساختارهای روایت (در آثار گرماس، برمون و داندس) و نظریه ادبی (رولان بارت) با استفاده از آن تحقق یافت. بر پایه تحلیل‌های پراپ می‌توان به مبنای جدیدی برای طبقه‌بندی تیپ‌های قصه، نه براساس موضوع، بلکه براساس ویژگی‌های دقیق ساختاری دست یافت. «شاید بتوان گفت پراپ در جستجوی شاه فرم گروهی از حکایات می‌خواست بنیادهای پویای پاسخ انسان به روایت را پیدا کند.» (همان، ص ۱۰۳)

با آنکه شیوه پراپ، حرکتی ابتکاری و الهام‌بخش محسوب و بسیار از آن ستایش شد، در نقد وی و بیان ضعف‌ها و کاستی‌های کارش نیز مقالاتی نوشتند. محققان بعدی کوشیدند ایرادهای روش پراپ را برطرف و شیوه‌ای جامع‌تر و رضایت‌بخش‌تر برای بررسی انواع روایت عرضه کنند که در آن بتوان ملاحظات فرهنگی، اجتماعی، مردم‌شناسی، روان‌شناختی، زیبایی‌شناختی و غیره را در نظر گرفت و میان فرم و محتوا

پیوند ایجاد کرد. از میان نظریه پردازان قدیمی تر می توان به لوی استراوس، آئن داندس، گرماس و برمون اشاره کرد و از محققان جدید ساتوآپو، پیتر جیلست و مارتین کاسمان قابل ذکرند که در آثار خویش کارکردهای پراپ را تقلیل دادند و عناصر جدیدی را در ریخت شناسی قصه ها لحاظ کردند.

بحث در باب ریخت شناسی قصه ها همچنان در محافل علمی جهان و در میان قصه شناسان رواج دارد و گام نخست در شناخت قصه محسوب می شود.

روش کار:

برای تحقیق درباره ریخت شناسی قصه های جادویی ایرانی، نخست مطالعات گسترده ای در حوزه قصه، تعاریف، انواع و وجوه مختلف آن به عمل آمد و نظریه های مطرح شده در این باب بررسی گردیدند. روی دیگر کار، یعنی ریخت شناسی، ریشه در جنبش فرمالیسم و اندیشه های ساختارگرایان داشت، از این رو اصول عقاید و نگره های این مکاتب و همچنین مباحث زبان شناسی جدید - که در شکل گیری ریخت شناسی پراپ نقش عمده ای داشت - مورد مطالعه و کنکاش قرار گرفت. پس از مطالعه دقیق و چندباره کتاب ریخت شناسی قصه های پریان، نوبت به بررسی نقدها و اصلاحاتی رسید که پس از پراپ مطرح شده بودند. از آنجا که همه اصلاح گران بعدی در چهارچوب هایی متفاوت و براساس نگرش و سلیقه علمی خویش، با شیوه پراپ رویارو شده بودند و با پذیرش این نکته که به گفته پراپ «تا زمانی که یک بررسی صحیح ریخت شناسی وجود نداشته باشد، تحقیقات تاریخی در دست نیز میسر نخواهد بود» (پراپ، ص ۴۴) شیوه خود پراپ (البته با اندک دستکاری هایی) مبنای کار قرار داده شد. گام بعد، گزینش تعدادی قصه از میان مجموعه های منتشر شده موجود بود. در این راستا تلاش شد که از نسخه ها و روایت های اصیل و چاپ های ویرایش نشده استفاده شود. (ویرایش قصه ها آفتی است که متأسفانه دامنگیر بسیاری از گردآورندگان مجموعه شده است و کوشیده اند قصه ها را به زبان معیار و گاهی حتی به زبان ادبی بازنویسی کنند، غافل از اینکه با این کار و با پرهیز از ضبط

دقیق گفته‌های گویندگان و راویان، ارزش‌های نهفته در قصه‌ها، و سایر مواد فولکلوریک، کم رنگ و گاه نابود می‌شود. علاوه بر تیپ‌های مورد بررسی پراپ (یعنی قصه‌های شماره ۷۴۹-۳۰۰ در فهرست آرنه‌تامپسون)، دو تیپ دیگر قصه‌های جادویی، یعنی قصه‌های مذهبی و قصه‌های عاشقانه نیز اساس کار قرار گرفتند. ۱۲۰ قصه (از هر تیپ یک و گاه دو روایت) انتخاب و بر مبنای ۳۱ کارکرد پیشنهادی پراپ تجزیه و تحلیل گردیدند. الگوی کارکردی هر قصه در قالب فرمولی تنظیم شد. از آنچه که برای هر قصه، روایت‌های مختلفی وجود دارد، نخست هفت روایت از یک قصه (تیپ ۳۱۰ مطابق با فهرست آرنه‌تامپسون) تجزیه و تحلیل شدند. گرچه الگوهای روایت‌های مختلف، تفاوت چندانی با هم ندارند. و می‌توان همگی را در یک الگوی مشترک خلاصه کرد و به نظر می‌رسد که آنالیز تنها یک روایت از هر تیپ کافی است، با این حال گاه در برخی روایت‌های یک قصه، حرکت‌ها و کنش‌هایی وجود دارد که برای رسیدن به نتیجه‌ای قطعی‌تر و دقیق‌تر، ناگزیر از برخی تیپ‌ها، دو روایت انتخاب و بررسی گردیدند.

یافته‌ها:

پراپ در بررسی ریخت‌شناسانه خویش، فقط قصه‌های جادویی زوسی را در نظر داشت، ولی نتایج حاصل از بررسی‌های وی را می‌توان به قصه‌های سایر ملل تعمیم داد. این امر در مورد قصه‌های ایرانی هم صادق است. با این حال قصه‌های ایرانی با الگوی پراپ مطابقت صد در صد ندارند و ویژگی‌های خاصی در آنها دیده می‌شود. ۳۱ کارکرد پراپ گرچه قصه را به کوچکترین سازه‌ها تقسیم می‌کند، گستردگی و اطناب غیرضروری دارند. تفصیل کارکردها از جهان‌شمولی شیوه پراپ می‌کاهد و احتمال تجزیه و تحلیل قصه‌های سایر ملل را بر مبنای دستگاه پیشنهادی وی کاهش می‌دهد. از این رو محققان کوشیده‌اند با کاستن از تعداد کارکردهای پراپ، نظامی جامع‌تر ابداع کنند که در آن بتوان هر قصه جادویی را تجزیه و تحلیل نمود. (مثلاً گرماس

کارکردهای پراب را به ۲۰، برمون و تنودوروف به ۳، آلن داندس به ۸، پیتر جیلت به ۵ و ساتو آپو به ۴ کارکرد کاهش داده‌اند.

برشمردن همه کارکردهای پراب برای هر قصه ضرورتی ندارد. همه هشت کارکرد اولیه او - شامل غیبت، نهی، نقض نهی، خبرگیری شریر، خیردهی، فریبکاری، همدستی، شرارت یا کمبود - را می‌توان یک کارکرد اصلی و مهم دانست و آن را مثلاً بروز مشکل نام نهاد بی‌آنکه در تشخیص ساختار قصه دشواری خاصی ایجاد کند. با بروز مشکل، که بدون استثنا در تمام قصه‌های جادویی وجود دارد، قصه به حرکت می‌افتد و برای رفع مشکل، حوادثی رخ می‌دهد یا اقداماتی صورت می‌گیرد. کارکردهای میانجیگری، مقابله آغازین و عزیمت را می‌توان زیر یک عنوان اصلی دیگر مثلاً جستجو یا حرکت گرد آورد، به همین ترتیب می‌توان تمام کارکردها را در فهرست زیر خلاصه کرد: A- بروز مشکل، B- حرکت، C- دریافت عامل جادو یا کمک یاریگر، D- مبارزه - پیروزی، E- تعقیب F- گریز، انجام کار دشوار، G- شناسایی قهرمان، H- مجازات شریر و رفع مشکل.

پراب خود اذعان کرده که تمام کارکردهای پیشنهادی او در تمام قصه‌ها دیده نمی‌شوند. از سوی دیگر در قصه یا کارکرد مبارزه - پیروزی می‌آید یا تعقیب - گریز و هیچگاه ترکیب این دو کارکرد جفتی را با هم در یک قصه واحد نمی‌بینیم. با توجه به این اشارات پراب و نیز با در نظر گرفتن نتایج تجزیه و تحلیل‌های انجام شده، منطقی‌تر است که برای دستیابی به نظامی قاعده‌مند، تنها کارکردهای مشترک را که در تمام قصه‌ها تکرار می‌شوند مورد توجه قرار دهیم.

پراب، نمونه‌ها و مصادیق هر کارکرد را در قصه‌های روسی بر شمرده است. (آلن داندس، کارکرد پراب را موتیف (Motifeme) و مصادیق عینی هر کارکرد را آلوموتیف (allomotif) نامیده است. براین اساس، مثلاً کار دشوار، یک موتیف است ولی مصادیق آن از جمله کشتن اژدها، جدا کردن دانه‌ها از یکدیگر، آوردن یک شیء عجیب... همگی آلوموتیف‌های آن هستند.) بسیاری از این مصادیق در قصه‌های ایرانی نیز مشاهده می‌شوند ولی بسامدی متفاوت دارند. از سوی دیگر برخی مصادیق خاص در قصه‌های ایرانی بررسی شده وجود دارد که در نمونه‌های روسی

دیده نمی‌شود؛ مثلاً پراب در کارکرد «کار دشوار» این موارد را بر شمرده است: آزمون با غذا یا نوشیدنی، با آتش، حلّ معما، گزینش کسی یا چیزی از میان چند چیز مشابه، پنهان شدن و جستن، بوسیدن شاهزاده خاتم، جهیدن بر فراز دروازه شهر، قدرت و زیرکی و بردباری، طاقت، تهیه کردن و ساختن. در قصه‌های ما کار دشوار شامل این موارد است: آزمون با غذا یا نوشیدن (۵۳۰)، با آتش (۳۰۲)، حلّ معما (۳۲۵)، قدرت و زیرکی و بردباری (۴۷۹)، تهیه کردن و ساختن چیزی (۶۵۳A)، شفا دادن (۶۱۳)، مسابقه (۵۰۷C)، کسی را به حرف آوردن (۷۲۵)، پیدا کردن شخصی ربه‌ده شده (۵۶۳) (شماره‌های در پرانتز، نشانگر تیپ قصه‌ها براساس فهرست آرنه تامسپون هستند).

مذهب جزو پایه‌های اعتقادی ایرانیان است و در تمام جنبه‌های زندگی این قوم نفوذ دارد. قصه‌ها هم از این تأثیر بی‌نصیب نمانده‌اند. اگر در قصه‌های روسی، یک درد یا یک عامل جادویی موجب تولّد کودکی می‌شود که بعداً قهرمان قصه خواهد شد، در قصه‌های ایرانی این امر با دعا و مناجات پدر و مادر، نذر و نیاز یا حضور ناگهانی درویشی راستین رخ می‌دهد که از برکت نفس صدق او، زنی سیبی را می‌خورد و کودکی به دنیا می‌آید. شخصیت‌های مذهبی، بیش از همه، حضرت علی (ع) و حضرت خضر (ع)، کارکردهای جادویی و ماورایی دارند و قهرمان را در گذر از مشکلات و غلبه بر دشمنان یاری می‌دهند. قهرمان معمولاً در قبال دادن صدقه یا انجام کاری نیک و خداپسندانه از تأیید و حمایت روحانی این شخصیت‌ها برخوردار می‌شود. (۴۰۳، ۴۶۵، ۵۵۰، ۷۲۸ و...).

خاتمه معمول قصه‌های روسی، ازدواج قهرمان است. نزدیک به دو سوم قصه‌های ایرانی نیز به همین صورت پایان می‌پذیرند با این تفاوت که معمولاً قهرمان با بیش از یک زن (گاه تا ۴ زن) ازدواج می‌کند که به نظر می‌رسد خاصّ قصه‌های ایرانی یا اسلامی است. سایر قصه‌ها با رفع مشکل اولیه (۴۰۷، ۷۱۵، ۹۳۶*) یا کشتن و مجازات شریر (۳۱۱A، *۴۵۱، ۷۰۷) ختم می‌شوند. قصه‌ها معمولاً پایانی خوش دارند که در

آن قهرمان به هدف خویش می‌رسد و بر مشکل غلبه می‌کند. در مواردی بسیار اندک، قصه با مرگ قهرمان تمام می‌شود. (۳۳۳B، *، ۷۲۰).

در قصه‌هایی که قهرمان مؤنث است، گاه دو عروسی وجود دارد؛ نخست شوهر با قهرمان دروغی قصه ازدواج می‌کند. پس از شناسایی قهرمان اصلی و مجازات شریر، قهرمان با شوهر آینده‌اش ازدواج می‌کند (۸۹۴). نکته جالب، آن است که برخی از کارکردها براساس جنس قهرمان، در قصه توزیع می‌شوند. در قصه‌هایی که قهرمان مؤنث است هیچ وقت خویشکاری مبارزه - پیروزی دیده نمی‌شود و به ندرت تعقیب - گریز در آنها وجود دارد. کار دشوار در این قبیل قصه‌ها معمولاً آزمون طاقت و بردباری است (۴۲۵B) و مصادیق دیگر «کار دشوار» برای قهرمانان مؤنث پیش نمی‌آید.

در قصه‌های مورد بررسی، نقش شخصیت‌ها تغییر می‌کند و گاه یک چهره، در حوزه‌های کارکردی متفاوت عمل می‌کند. مثلاً شخصیتی که در ابتدا کارکردی شیرانه دارد در ادامه قصه به یاریگری تبدیل می‌شود که گاه به صورت مستقیم و گاه با دادن عوامل جادویی، قهرمان را در انجام کارهای دشوار یا حل مشکلات یاری می‌دهد (۴۳۲). در این قبیل موارد می‌توان شریر اولیه را مرداف‌بخشنده ناشناس دانست که بعداً کارکردهای خاص بخشنده یا یاریگرشان می‌دهد. برعکس این حالت نیز رخ می‌دهد؛ به این معنا که بخشنده یا یاریگر ابتدای داستان، در ادامه مرتکب شرارت می‌شود (۳۰۳). این هم‌پوشانی و اشتراک حوزه‌های کارکردی، از دشواری‌های تجزیه و تحلیل قصه‌هاست و تشخیص صحیح هر نقش و کارکرد خاص هر شخصیت، دقت بسیار می‌طلبد.

شریر در قصه‌های ایرانی، دو چهره متفاوت دارد. گاه، دیوی است که شرارتی می‌کند - مثلاً دختری یا یک عامل جادویی را می‌رباید - یا ازدهایی است که جلو آب را گرفته است. قهرمان، دیو را با شکستن شیسه عمر یا مبارزه رویارو می‌کشد و ازدها را همیشه با شمشیر از پا در می‌آورد. در سایر قصه‌ها، شریر، چهره‌ای انسانی دارد. جالب آنکه در بیش از شصت درصد قصه‌های مورد بررسی، شریر، مؤنث است و به

شدت مجازات می‌شود و این مجازات‌ها شدیدتر و خشن‌تر از تنبیه‌هایی است که برای شریرهای مذکر اعمال می‌شود (۴۰۳ - ۴۵۰ - ۵۱۶B).

یکی از عناصر برجسته قصه‌های جادویی، که در سایر انواع ادبی از جمله حماسه و اسطوره نیز بسیار دیده می‌شود، تکرار است که معمولاً در قالبی سه گانه رخ می‌دهد: قهرمان، سه شب متوالی، سه دیو را می‌کشد (۵۵۰)، سومین برادر، موفق به انجام کاری می‌شود (۳۰۱)، قهرمان باید سه کار دشوار را انجام دهد (۵۵۴)، سه عامل جادویی به دست می‌آورد (۵۶۰) و... این عنصر علاوه بر تأکید بر اهمیت حادثه‌ای که رخ می‌دهد و توانایی‌های خاص قهرمان، نوعی حالت تعلیق در قصه به وجود می‌آورد. البته گاه قصه‌گویان این بسامد را به چهار یا هفت بار می‌رسانند ولی تکرار سه باره وقایع، آمار بسیار بیشتری دارد.^۱

پراپ تأکید می‌کند که توالی کارکردها در یک قصه، همیشه یکسان است. این امر در مورد قصه‌های ایرانی صدق می‌کند و جایجایی‌هایی در توالی کارکردها دیده می‌شود. از آنجا که هر قصه‌گو بنا بر سلیقه خویش و مخاطبانش قصه‌ای را روایت می‌کند، این امر کاملاً طبیعی به نظر می‌رسد. مثلاً براساس توالی پراپی، کارکرد ادعاهای قهرمان دروغی در پایان قصه و پیش از شناسایی قهرمان اصلی می‌آیند ولی در قصه‌های مورد بررسی، ما گاه بلافاصله پس از بروز مشکل و شرارت شریر، که همان قهرمان دروغی است، ادعاهای وی را می‌بینیم و حوادث بسیار دیگری رخ می‌دهند تا قهرمان اصلی، شناسایی و قهرمان دروغی رسوا شود (۵۵۰).

۱. در مورد سه گانه تحقیقات بسیاری شده از جمله نک:

- Kurt, Ranke, Eenzklopadie marchen, 1977.
- Olrike, Axel, "Epic laws of folk Narrative", Internatinal Folkloristic, ed. Alen Dandes, Rowman & Littefield Publishers, 1992.

نتیجه:

قصه‌های جادویی ایرانی، کارکردهایی ریخت‌شناسانه دارند و با الگوهای رایج در این زمینه، که مهم‌ترین آنها شیوه ولادیمیر پراپ در بررسی قصه‌های روسی است، قابل تجزیه و تحلیل و دسته‌بندی هستند. در این بررسی، گاه عناصر متفاوتی یافت می‌شود که خاص قصه‌های ایرانی است و در نمونه‌های مشابه روسی دیده نمی‌شود، مثل نقش و تأثیر عامل مذهب در قصه‌های جادویی. برخی از مصادیق کارکردهای پراپ در قصه‌های ایرانی دیده نمی‌شود و گاه باید عوامل جدیدی را به فهرست پراپ اضافه نمود. هم پوشانی نقش‌ها، تفاوت‌های کارکردی میان قصه‌هایی که جنس قهرمان‌های آن با هم متفاوت است و عدم توالی یکسان کارکردها در قصه‌های ایرانی، از موارد دیگری است که در تجزیه و تحلیل این قصه‌ها به دست آمد. چنین به نظر می‌رسد که برای رسیدن به شیوه‌های جامع و مانع، بهتر است ۳۱ کارکرد پراپ را به هشت کارکرد - که گاه جفتی و دوتایی هستند - تقلیل داد. با کمک نتایج حاصل از این طرح می‌توان به بررسی در سایر زمینه‌های مرتبط با اعتقادات مردمی، از جمله مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی دست یافت.

پی‌نوشت:

۱- تعبیر از بابک احمدی است.

منابع:

- ۱- اسکولز، رابرت، درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات، ترجمه فرزانه طاهری، چاپ دوم، آگاه، تهران، ۱۳۸۳ ه.ش.
- ۲- پراپ، ولادیمیر، ریخت‌شناسی قصه‌های پریان، ترجمه فریدون بدره‌ای، چاپ اول، توس، تهران، ۱۳۶۸ ه.ش.

- ۳- محجوب، محمدجعفر، ادبیات عامیانه ایران، به کوشش حسن ذوالفقاری، چاپ اول، نشر چشمه، تهران، ۱۳۸۲ هـ.ش.
- ۴- میرصادقی، جمال، ادبیات داستانی، چاپ سوم، نشر سخن، تهران، ۱۳۷۶ هـ.ش.
- 5- Dundes, Alan, Analytic Essays in Folklore, Mouton, 1975.
- 6- Gilet, Peter, Vladimir Propp and Universal Folktale, New York, 1998.
- 7- Green, Thomas, Folklore An Encyclopaedia of Beliefs, customs, tales, Music and Art, England, 1997.
- 8- Thompson, Stith, The Folktale, USA, 1977.